

ادب حسرت

یادی از دکتر امیرحسین آریانپور
نظر به پرداز و احیاگر اندیشه اجتماعی

دکتر قاسم صافی*

(ص ۱۶۹ تا ۱۷۵)

در سالهای ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ که دوره کارشناسی دانشگاه تهران را می گذراندم توفیق یافتم چند واحد درسی را با استادانی بگذرانم که به دانش و آزادگی و پاکی اشتهار داشتند. بیشتر استادانم مثل دکتر پرویز ناتل خانلری، دکتر لطفعلی صورنگر، دکتر محمدجعفر محجوب، دکتر عبدالحسین زرین کوب، دکتر ماهیار نوابی و شاخصترین و محبوبترین و مورد توجهترین آنان زنده یاد جلال آل احمد یکی پس از دیگری دعوت یگانه بی همتا را لبیک گفتند و آخرین آنان دکتر امیرحسین آریانپور بود که یکسال پیش زوی به نقاب خاک کشید، و تا وقتی که ملازم خانه و کاشانه نشده بود و حرکت و کار از او سلب نگردیده بود در محیط کتابخانه مرکزی دانشگاه و در مجالس یادبود بزرگان دانش و هنر توفیق دیدار و گفتار با او حاصل می شد. و آخرین بار او را در کاشانه اش که به عیادت وی رفته بودم دیدار کردم و فرصتی بود که از سرانجام مطالعات و تحقیقات و گذران زندگی او مدتی قبل از درگذشتش پرسشی کنم، اینکه از تجارب او چگونه می شود برای آموزش و پرورش ایران ایده گرفت و در جامعه ایران به چه مسائلی باید بیشتر توجه کرد؟ و او پاسخ داد:

«هر محصل امروز که الزاماً روشنفکر فرداست و باید به همراه و در

* دانشیار دانشگاه تهران و سردبیر کتابداری

میان مردم، جامعه را به پیش برد، اگر از قدرت تفکر منطقی و بینداری اجتماعی و شور انقلابی بی بهره باشد از عهده رسالت بزرگ خود بزنخواهد آمد. پیوسته باید کوشید که مروج روشهای تفکر علمی و بینش تاریخی بود و به جای طلب مال و مقام و سایر مصالح فردی، ارزشهای والای اجتماعی را که محورش مردم دوستی و طغیان طلبی است با زبان و عمل خود ترویج کرد. من روش "هماموزی" را پیشنهاد می دهم که در این روش، دانشجویان فرصت می یابند تا حد امکان به احراز دید علمی و بینش تاریخی برانگیخته شوند و سپس به مطالعه و مخصوصاً تحقیق فردی کشانیده شوند و معلم و استادش چه در مدرسه و چه در خارج مدرسه، در مطالعه و تحقیق آنها سهیم شود. بدین ترتیب بدون حضور و غیاب کردن و جزوه گرفتن و امتحان کردن و نمره دادن، می توان بسیاری از دانشجویان را صرفاً در جریان همپزهی و همانندیشی و همکاری، به راه علم و خدمت مردمی انداخت. من به برکت این شیوه، از هزاران دانشجو درس گرفته و همواره مهر و صفا دیدم.

دکتر آریانپور و جلال آل احمد نویسنده مبارز و شجاع، استادانی بودند که به لحاظ بیان نیرومند، موجز، موشکاف، طنزآمیز، صریح و خودمانی، و شخصیت جاذب و سالمی که دارا بودند تأثیرات شگرف و شدید و دامنه داری بر نسل روزگار خود داشتند و مشتاقان زیادی برای استفاده از کلاس درس یا محافل گفتمان ایشان می شتافتند و بهره ها می گرفتند. شخصیت گیرا و بیان نیرومند آن دو بزرگوار در جهت سیر مطالعه دانشجویان و ایجاد انگیزه شوق و ذوق مطالعه و پژوهش و بی باکی در آنان بسیار نقش آفرین بود و موجب تکوین شخصیت و مبانی عقلی مخاطبان و معاشران آنها می شد.

در سال ۱۳۶۴ یادنامه ای با عنوان قلمرو اندیشه آل احمد راجع به افکار و احوال و خاطراتی که از او داشتم در سلسله انتشارات کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به پاس حرمت گذاری و حق شناسی از وی و شناساندن بیشتر آن بزرگوار به

نسل حاضر به طبع رساندم و اکنون خاطره دکتر امیرحسین آریانپور را به مناسبت یکمین سال درگذشتش گرامی می‌دارم و از ویژگیها، رهنمودها و هدایتگرهای وی در اشاعه علم و غایت دانش‌اندوزی که عمده آمال او بود (تربیت انسانها: انگیختن فرد یا گروه برای دستیابی بر آگاهی‌ها و مهارت‌های معین - و برای تغییر عادت یا به طور کلی شخصیت خود - به نحوی که این دو فعالیت در جریان عمل بر یکدیگر تأثیرگذار باشند)، یاد می‌کنم.

آریانپور، استاد توانای دانش جامعه‌شناسی، تاریخ تمدن و علوم رفتاری و از نظریه پردازان و پیشگامان این رشته بود و از نادر استادانی بود که در طول نیم قرن حیات علمی خود در کمال فروتنی، تمام وقت و حتی گاه حقوق ماهیانه خود را در آموزش و پرورش ذهن دانش‌پژوهان گذاشت و در مسیر اعتلای علم و در راه استقلال و آزادی و فضیلت، سرافرازانه گام نهاد و عقاب تیزبین قله‌های شکوهمند علم و تقوایش دور دستهای خورشید را درنوردید و عمر گرانمایه‌اش در این راه به پایان رسید.

استاد آریانپور، نویسنده و مترجم برجسته و از احیاگران اندیشه اجتماعی بود و در جهاد علیه استبداد، بی‌عدالتی، انحرافات آموزشی، وابستگی و ارتجاع دینی از کوشندگان راستین به شمار می‌رفت. او در گفتار و نوشتار، عصاره تجربیات نسل خود را بازگو می‌کرد. حقی را جایگزین باطلی و علمی را جایگزین جهلی نمود. از زمره آخرین برگزیدگان نسل گذشته‌ای بود که در حدود امکانات تاریخی خود به عشق خدمت به میهن و اصلاح ساختار اجتماعی و فرهنگی آن با کوشش آگاهانه و ایمانی استوار و همیانی انباشته از دانش و تجربه به بیدارگری می‌پرداخت. او در کلاس درس طرح اندیشه می‌کرد و هدایت و سازندگی ایجاد می‌نمود. بسیار مؤدبانه و خیلی قوی و با جرأت سخن می‌گفت و از روحیه جسارت و ورزشکاری، برخوردار بود. حسن سلوکی ممتاز داشت و تأثیر عظیمی روی جوانان و روشنفکران و مبارزان سیاسی می‌گذاشت.

این دانشمند بزرگوار بر عقیده خود صادق و استوار بود و هیچوقت عقیده‌اش را پنهان نمی‌کرد و هیچ زمینه‌ای نمی‌توانست او را در راه تشخیص علمی

که داشت متزلزل کند. پایبندی به عقیده‌اش، به زعم خود او، پشتوانه عقلی و منطقی داشت. به علت وسعت اطلاعاتی که در همه زمینه‌ها داشت روی موضوع خاصی تمرکز پیدا نمی‌کرد بلکه اطلاعات وسیع و پراکنده‌ای به دانشجو می‌داد و دانشجو را وادار به تفکر می‌کرد و به واسطه روحیه آزادگی که داشت به دانشجو اجازه می‌داد که در مخالفت او هر چه می‌خواهد بگوید البته مستدل و منطقی. به همین لحاظ علامه بزرگواری ضمن انتقادهایی که به وی داشت اظهار می‌کرد کاش همه مثل دکتر آریانپور باشند که بر سر عقیده خود استوار و پابرجاست و نظرهايش را پوشیده و پنهان نمی‌کند. دل آدم از دست کسانی خون است که ادعای مسلمانی می‌کنند اما از هیچ کاری روی‌گردان نیستند.

بی‌اعتنایی به زخارف دنیا، تعهد به انجام کارهای علمی دقیق و استوار، باریک‌اندیشی و سخت‌کوشی و دقت‌نظر، مهربانی و فروتنی، بذل بی‌دریغ و صمیمانه دانش خود به شاگردان، جلوه‌های اندکی از فضائل علمی و انسانی آن استاد فرزانه بود. کار عظیمی که او با شکیبایی و دقت در ارائه کتاب به یادماندنی زمینه جامعه‌شناسی، و تدوین دایرةالمعارف فلسفه انجام داد، می‌تواند الگویی روشن برای دوست‌داران علم و ادب باشد.

آریانپور در طول دوران تدریس و حیات علمی خود بویژه در شناخت و تبیین اندیشه‌های جامعه‌شناسان عصر کلاسیک از جمله آگوست کنت، ماکس وبر، امیل دورکیم، جورج هربرت مید، اسپنسر و تالکوت ...، تلاشهای درخوری کرد. وی در زمینه پیدایش جامعه‌شناسی و فرایند شناخت در جامعه‌شناسی، تحقیقات و مکتوبات باارزشی از خود بر جای گذاشت. او از اولین مؤلفان و مترجمان آثار جامعه‌شناسی ایران بود که با نوشته‌های خود برای اولین بار نگره‌های علمی جامعه‌شناسی را به شیوه‌های آکادمیک و جهانی به علاقه‌مندان شناساند.

اثر مهم آریانپور که تا سالها ذهن دانشجویان را براساس دستگاه جامعه‌شناختی، فعال کرد جامعه‌شناسی هنر نام دارد. آثار و تألیفات دیگر وی عبارتند از: در آستانه رستاخیز، فرویدیسیم و عرفان، متدلوزی تحقیق و مآخذشناسی، زمینه جامعه‌شناسی (اقتباس و ترجمه) که بعدها، نقدهای آن به

همراه پاسخهای آریانپور به صورت ضمیمه‌ای در بیش از پنجاه صفحه همراه با چاپ ششم که ویرایش تازه این کتاب بود منتشر شد. از ترجمه‌ها: دشمن مردم، تاریخ تمدن (جلدهای چین و ژاپن و تمدن اژه‌یی و تکامل یونان)، آموزشگاههای فردا، سیر فلسفه در ایران و دهها مقاله در نشریات مختلف.

وی در دو دهه اخیر و از زمان بازنشستگی (۱۳۵۹) خلوت‌گزینی اختیار کرد. در دهه ۱۳۲۰ در رشته‌های دانشگاهی علوم اجتماعی، علوم سیاسی، فلسفه، علوم تربیتی، ادبیات انگلیسی و ادبیات فارسی به تحصیل دکتری پرداخت و علاوه بر تحصیل در دانشگاههای ایران، از دانشگاههای بیروت و برینستون آمریکا دکترا گرفت. به زبانهای آلمانی، فرانسه و انگلیسی تسلط کامل داشت و با زبانهای لاتین، عربی و ایران باستان آشنا بود. از همین رو، صدها معادل فارسی برای واژه‌های بیگانه ارائه داد که بسیاری از آنها مورد استفاده قرار گرفته است. کار بزرگ وی در این زمینه که حاصل پنجاه سال تحقیق اوست فرهنگ تفصیلی چهارزبانه است که به طور عمده، واژه‌های فلسفه و علوم اجتماعی را دربرمی‌گیرد. این کار در آستانه تنظیم برای چاپ در انتظار مانده است.

آریانپور، در اسفند ۱۳۰۳ متولد شد. در سال ۱۳۲۸ به استخدام دانشگاه تهران درآمد. در سالهای ۱۳۲۹ از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ۱۳۳۵ از مؤسسه علوم اداری دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ از دانشسرای عالی، ۱۳۴۴ از سازمان تربیت معلم و تحقیقات تربیتی دانشکده ادبیات دانشگاه ملی، ۱۳۴۷ از مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران به لحاظ انتقادات و عنادی که چند دهه متمادی با نظام مستبد عصر خود داشت، اخراج شد. آن زنده‌یاد از قهرمانان وزنه‌برداری ایران در دهه ۱۳۲۰ بود و به کوهنوردی و پیاده‌روی علاقه داشت. در کار تدریس اغلب با دشواریها و مضایقی روبرو بود و تریبونهای زیادی در اختیارش نبود و در رادیو و تلویزیون نیز هیچگاه حضور نیافت و اگر مقاله‌ای قدیمی از او در نشریه‌ای تجدید چاپ می‌شد چون ورق زرمی بردند. چنانکه من در مجله دانشکده نشریه مرکزی دانشگاه مقاله‌ای از وی به طبع رساندم و از آن استقبال فراوانی شد (۱۳۵۴). آریانپور، چهره‌ی بواقع دانشگاهی بود و متأسفانه او را جابه‌جا می‌کردند که

در دسترس نباشد. اگرچه گاه در کنف حمایت و علاقه استادانی بزرگ مثل بدیع الزمان فروزانفر که به مراتب فضل وی آشنایی داشتند قرار می‌گرفت و به مؤسسات آنان منتقل می‌شد.

آریانپور از استادان خود مثل بدیع الزمان فروزانفر، دکتر صادق کیا، دکتر محمدباقر هوشیار، استاد پورداود، استاد جلال‌الدین همایی، دکتر غلامحسین صدیقی، به نیکی یاد می‌کرد و به آنان احترام زائد الوصفی می‌گذاشت و هم به آنان محبت می‌کرد و نیازهای آنان را برآورده می‌تمود. در برابرشان و در غیابشان نهایت خضوع و ادب را رعایت می‌کرد. او معاشران و همنشینانی نیکو خصال داشت و با آنان جلسات علمی تشکیل می‌داد همچون دکتر محسن هشترودی، شیخ حسینعلی راشد، ضیاءالدین قهازی، سید عبدالله انوار، دکتر سیداحمد فرید، سید جلال‌الدین آشتیانی، علی اکبر شهبازی، غلامرضا شهری، محمد نخشب و ... به چهره‌هایی نظیر استاد محمود شهابی، سید محمد مشکوة، بدیع الزمان فروزانفر، دکتر مهدی محقق، سیدمحمدباقر سبزواری و ... در منزل فروزانفر و جز آن درس انگلیسی می‌داد.

در دوران تحصیل و در ایام اشتغال، گروهی از استادان منتقد که برخی از آنها مسئولیتی نیز داشتند به حکم شرافت خود از وی حمایت می‌کردند مثل دکتر علی اکبر سنیاپی، سعید نفیسی، بدیع الزمان فروزانفر، احمد ترجانی‌زاده، دکتر محسن ضیایی، دکتر جواد بیرجندی، مهندس حسن شیبانی، دکتر مهدی حمیدی شیرازی، دکتر جواد مشکور، دکتر عباس اکرامی، محمد وفائی، دکتر عبدالله شیبانی، دکتر محسن هشترودی و نیز جلال آل احمد که از تدریس در مؤسسات آموزشی ممنوع شد.

درک محضر آریانپور بسیار مغتنم بود و کلاسهای درس او زمینه آزادسازی روح از قفس تن بود. به دانشجویان و مخاطبان گفتارش روحیه امید و نیروی پایداری و مقاومت می‌بخشید. توصیه‌های ازدواج در دوره دانشجویی، و یادگیری زبان خارجی در دوره دانش‌آموزی در کوتاهترین زمان ممکن، داشت. در خانه‌اش به روی جوانان و دانشجویان باز بود. کتابهایی که می‌خواستند بی‌دریغ به آنها

می داد. نوشته های اغلب کم مایه آنها را می خواند و ساعتها وقت بر سر تصحیح و اصلاح آنها می گذاشت. در سلام کردن سبقت می جست و هرگاه دانشجویان خود را می دید بلادرنگ سلام می کرد.

آریانپور اطلاعات کافی و وافی از فلسفه غرب و نویسندگان غربی داشت و با اطلاعات وسیع و عمیق از فرهنگ و ادب ایرانی و تمدن و فلسفه غربی و حسن بیان و سخنوری و محبت و لطف به نسل جوان، و همچنین سالها تدریس فلسفه، روانشناسی، جامعه شناسی، علوم تربیتی، تاریخ تمدن و زبانهای خارجی، توانسته بود شماری از دانشجویان و پژوهشگران کشور را در دهه های سی و چهل و پنجاه به خود متوجه سازد و دانش طلبانی در رشته های مختلف و از دانشگاههای متعدد به کلاس درس او حضور یابند.

چنانکه دهر را رسم و ره دیرین است، سرانجام این اصلاح گرای فرهنگ و سیاست و مرد پهنه فرهنگ و آزادگی و از تبار بزرگان علم و اخلاق پس از تحمل رنجهای ناشی از گرفتاری ثمرات حیاتش، سحرگاه روز دوشنبه هشتم مرداد هشتاد در سن هفتاد و هفت سالگی خاموش شد و پیکر او در جوار رحمت پروردگار ما وا گرفت. از خداوند بزرگ آمرزش، شادی و آرامش روحش را مسئلت می نمایم. یاد و خاطره پرمهرش گرامی باد.

این یادنامه گرچه مایه تسلیتی است و در ستایش هنر هنرمندی است اما دریغ که ما همواره باید سرمایه ها و نعمتهای ارجمند خویش را هنگامی بشناسیم که از دست داده ایم و این است که ادب ما ادب حسرت شده است. قدر آریانپور دانسته نشد و عقلمان نرسید که از دانش سرشار او در عرصه های مختلف استفاده کنیم. نباید گذاشت استادان محترم در انزوا و انفراد بمانند. باید آنها را شناخت و شناساند که انسانهای بزرگی هستند و باید بزرگتر هم بشوند. آریانپور را باید کشف می کردند آنگونه که بود.